

## تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص)

سید حسام حسینی\*

### چکیده

دانشگاه از مهم‌ترین بسترهای رشد خلاقیت در جامعه است؛ زیرا دانشگاه می‌تواند دانشجویان را برای بهتر اندیشیدن، ابتکار، نوآوری، مقابله با ناشناخته‌های علمی و اجتماعی و پر کردن خلأهای علمی، آماده سازد و این امر تنها از طریق یک فرایند آموزشی پویا و برانگیزاننده با راهبردهای آموزشی فعال و مؤثر محقق می‌گردد. در عرصه خلاقیت و سازندگی فکری، هیچ هنرمند و صنعتگری به پای پیامبران نمی‌رسد و هیچ نظام فکری و عملی‌ای، همچون اسلام بر تفکر خلاق و خلاقیت تأکید نداشته است. مسئله تفکر، تدبیر و خلاقیت فکری در سیره پیامبر اعظم (ص) درخشش خاصی دارد. پیامبر اعظم (ص) همواره با شیوه‌های متعدّد خلاق هم‌چون: استقلال فکری، گفتگو و مباحثه، داستان و عبرت‌آموزی، استدلالی، عملی، سمعی - بصری، تشبیه و همانندسازی و برانگیختن اذهان، مردم را به تفکر برمی‌انگیخت تا استعدادهای پنهان آنها از قوه به فعل درآید و زمینه حرکت آنها به سوی کمال فراهم شود. در این مقاله، تفکر خلاق به عنوان محور اصلی در روش آموزشی پیامبر (ص) معرفی می‌شود و سپس به شیوه‌هایی که پیامبر (ص) جهت برانگیختن مردم به خلاقیت و تفکر خلاق به کار برده است، پرداخته و جایگاه تفکر خلاق در شیوه آموزشی پیامبر (ص) تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: سیره نبوی، تفکر خلاق، آموزش.

\* تاریخ دریافت: ۸۷/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۰۷/۰۲

### مقدمه

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان در میان تمامی موجودات، برخورداری از نیروی تفکر و مسئولیت ناشی از آن است؛ زیرا بر اساس قدرت تفکر و برخورداری از نیروی اراده و تصمیم‌گیری است که مسئولیت انتخاب و عمل بر عهده انسان گذاشته شده است. اهمیت و ضرورت خلاقیت و فرایند رو به رشد آن در عصر امروز، محققان و برنامه‌ریزان آموزشی را متوجه تحلیل و بررسی خلاقیت از زاویه آموزشی کرده است. دانشگاهها با توجه به نوع برنامه‌ها، اهداف، محتوا و امکانات آموزشی، نقش مؤثری در فعال‌سازی یا تخریب توانایی خلاق افراد دارند. با توجه به سرعت تولید علم و آینده‌ناشناخته‌ای که فرا روی بشر قرار دارد، لازم است دانشگاه نیز به صورتی هماهنگ با این تحولات، به بازنگری در برنامه‌ها و راهبردهای آموزشی خود پرداخته و راهبردهای آموزشی خلاق و مبتنی بر مسئله‌مداری را محور فعالیت آموزشی خویش قرار دهد.

در باب معنی و مفهوم تفکر باید گفت که تفکر<sup>۱</sup> مستلزم دستکاری و انتقال اطلاعات موجود در حافظه است. این موضوع اغلب با شکل دادن به مفاهیم، استدلال، تفکر خلاق و انتقادی و حل مسئله همراه است. (سنتروک، ۱۳۸۵، ص ۴۳۳)

از نظر «دیویی» تفکر عبارت است از: بررسی فعال، مداوم و دقیق هر عقیده یا هر شکل فرضی دانش با توجه به دلایلی که آن عقیده را تأیید می‌کند و نتایج بیشتری که این عقیده به آنها گرایش دارد. (Dewey, 1933, p.6)

«رابرت فیشر»<sup>۲</sup> ضمن بررسی مقوله تفکر از زاویه فلسفی و روانشناسی، سه نوع تفکر را که قابل آموزش بوده و زمینه تعالی انسان را فراهم می‌آورند بر می‌شمارد که عبارتند از:

۱. تفکر فلسفی؛<sup>۳</sup>

۲. تفکر انتقادی؛<sup>۴</sup>

۳. تفکر خلاق.<sup>۵</sup>

تفکر فلسفی، برای اساسی‌ترین سؤالاتی که مطرح می‌کنیم و همچنین قوانینی که عقاید ما را اداره می‌کنند، فرصتهایی را فراهم می‌کند و شخص را قادر می‌سازد تا بتواند در حیطه گسترده

1. Think
2. Robert Fisher
3. Philosophical thinking
4. Critical thinking
5. Creative thinking

## تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۲۳

مسائل پیرامون خود تصمیم بگیرد. تفکر انتقادی نیز به او یاری می‌رساند که چه زمانی سؤال کند، چگونه سؤال کند، چه چیزی را پرسد، چگونه استدلال کند و چه روش استدلالی را به کار ببرد (فیشر، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵). در نتیجه، این دو نوع تفکر، مقدمه را برای جهش بزرگ‌تر؛ یعنی خلاقیت فکری فراهم می‌آورند.

«آماییل» و «استین»، تفکر خلاق را فرایندی که نتیجه آن کار تازه‌ای باشد که توسط گروهی در یک زمان به عنوان چیزی مفید و رضایت‌بخش مقبول واقع شود، تعریف کرده‌اند. (Stein, 1962, p. 12 & Amobil, 1983, p.43)

از نظر «پرینس»<sup>۱</sup> تفکر خلاق نوعاً تفکری غیر معمول و غیر عادی است و حتی ممکن است به ظاهر غیر منطقی به نظر بیاید. (به نقل از: حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۴)

«رانکو» و «چاند»<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) ابراز داشتند فکری خلاق است که به اندیشه، راه‌حل و بینش ابتکاری منجر شود.

«گیلفورد»<sup>۳</sup> (۱۹۶۴) خلاقیت را مجموعه ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی می‌داند. خلاقیت از دیدگاه گیلفورد عبارت است از: تفکر واگرا؛ یعنی تفکر از جهات مختلف و ابعاد گوناگون. در حالی که محققانی دیگر از جمله هارینگتون (۱۹۹۰) و استرنبرگ<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) به سبکهای فکری مختلفی که از فرضیه خودحکومتی به عنوان شالوده روشهای فکری گرفته شده است، اشاره دارند. طبق این دیدگاه، کسی که خود حکومتی فکری داشته باشد، بالقوه خلاق تر از دیگران است.

آماییل (۱۹۸۹) و سیکزنتمی هالی<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) خلاقیت را موضوعی کاملاً اجتماعی می‌دانند. «تورنس» در یک تعریف جامع از فرایند تفکر خلاق، معتقد است که: تفکر آفریننده عبارت است از فرایند حس کردن مشکلات، مسائل یا شکاف در اطلاعات، عناصر گمشده چیزهای ناجور، حدس زدن و فرضیه‌سازی در باب این کمبودها و ارزیابی و آزمودن این فرضها، تجدید نظر کردن و دوباره آزمایی آنها و در نهایت، انتقال دادن نتایج. (Torrance, 1998, p.10)

به هر حال، تفکر خلاق، تفکری است که از نظر ساختار، روش و فرایند، با تفکر عادی همانند نیست. (Hicks, 1991, p.41)

1. Prince
2. Runco and Chand
3. J.P. Guilford
4. Harington & Sternberg
5. Amabil & Czikszentmihalyi

### راهبردهای آموزشی مبتنی بر تفکر خلاق

معمولاً روشهای یاددهی و یادگیری به دو دسته فعال و غیر فعال تقسیم می شود و طبیعی است که راهبردهای آموزشی مبتنی بر خلاقیت، مربوط به دسته اول است. روشهای فعال آموزش می توانند فرصت لازم را برای توسعه مهارتهای تفکر خلاق فراهم آورند. مهم ترین این راهبردها عبارتند از:

#### ۱. راهبرد پرسش و پاسخ

«دبلیو میلر»<sup>۱</sup> اعتقاد دارد: مدرّسان هر چه در مورد انواع مختلف سؤالات و نقشی که در تعلیم دانشجویان دارند بیشتر بدانند، بهتر می توانند سؤالات مؤثری را برای موارد آموزشی مربوط طرح کنند. پژوهشهای انجام شده در مورد سؤال کردن در زمینه های آموزشی به خوبی نشان می دهد سؤالاتی که معمولاً مدرّسان مطرح می کنند، چیزی جز یادآوری مطالب آموزش داده شده نیست. یکی از راههای پرهیز از سؤالاتی که فقط تکرار مطالب حفظی است، آن است که سؤال را با کلمات یا جملاتی شروع کنیم که سبب شود دانشجو برای پاسخ دادن مجبور به تفکر شود؛ کلمات یا جملاتی مثل چرا؟ چگونه؟ خلاصه کن و توجیه کن. (میلر، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸)

#### ۲. راهبرد مشارکتی

رویکرد مشارکتی بهترین امکان برای تقابل دیدگاهها و رسیدن به دیدگاههای مناسب تر است. در این راهبرد، دانش آموزان با شرکت فعال و آزادانه و بدون هیچ گونه ارزشیابی، به بحث و گفتگو می پردازند. مدرّس در این رویکرد به عنوان هدایتگر و رهبر گروه عمل می کند. روشهای مشارکت گروهی متعدّدند که از مهم ترین آنها که با یادگیری خلاق ارتباط مستقیمی دارد، عبارتند از: الف) بارش مغزی یا یورش فکری؛ ب) ایفای نقش؛ ج) فرایند گروه اسمی.

#### ۳. راهبرد مباحثه

در این روش، مدرّس به جای آنکه خود به ارائه نظریات پردازد، از دانشجویان می خواهد که مطالب را ارائه دهند و او تنها به هدایت این جریان می پردازد. این روش، قدرت تفکر در

## تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۲۵

دانشجویان را بر می‌انگیزد و سبب مشارکت فعال و همیاری شده و در نهایت به بهبود یادگیری می‌انجامد. از بعد عاطفی نیز ارتباط مناسبی بین دانشجویان با یکدیگر و با استاد برقرار می‌شود. با این راهبرد، مدرس از توانمندی‌های شاگردانش آگاه می‌شود و دانشجویان با انگیزه بیشتری به یادگیری پرداخته و امکان بروز خلاقیت‌های ذهنی فراهم می‌گردد.

### ۴. راهبرد جستجو و حل مسئله

این راهبرد، فرایندی کامل از بررسی شامل مشاهده، طبقه‌بندی، استنباط، اندازه‌گیری، پیش‌بینی، فرضیه‌سازی، آزمایش، کنترل متغیرها، تحلیل داده‌ها و... می‌باشد. در این روش، مدرس از دانشجویان می‌خواهد از طریق جستجو یاد بگیرند؛ لذا آنها را به سمت ابزار لازم هدایت می‌کند. دونالد اورلیج معتقد است: مهم‌ترین جنبه حیاتی روش جستجو آن است که به یادگیرنده و یاددهنده اجازه می‌دهد درخواست کنندگان، جستجوگران، سؤال کنندگان و متفکرانی ثابت‌قدم باشند. از طریق این راهبرد، یادگیرندگان به دانشمندان، تاریخ‌دانها، بازرگانان، شعرا، نویسندگان یا محققانی تبدیل می‌شوند که به صورتی حیاتی با فرایندهای خلاقیت درگیر می‌گردند. از مهم‌ترین الگوهای مناسب تدریس مربوط به این راهبرد، یادگیری اکتشافی و حل مسئله است. (اورلیج، ۱۳۷۹، ص ۴۸)

### ۵. راهبرد ادراکی

در این راهبرد، مربی باید به شکلها، رنگها، وزنها، بافتها و صداها آنچه می‌خواهد به فراگیران آموزش دهد، دقت نظر داشته، از این طریق توجه فراگیران را به سوی موضوع یادگیری جلب کند. بدین ترتیب برای دانشجویان خود، فرصتهایی فراهم آورد تا بسیاری از محتواها را خود ببینند و دریافت کنند. فرصتی که دانشجو بتواند لذت درک دنیایی را که در آن زندگی می‌کند بچشد.

### ۶. راهبرد استدلال کردن

این راهبرد به دانش‌آموزان کمک می‌کند برای نظرات و رفتارهای خود دلیل بیاورند؛ به این وسیله استنتاج و استدلال کنند و برای شرح افکار خود بیان صریحی داشته و با دلیل و گواه قضاوت و تصمیم‌گیری کنند.

می توان گفت پرسشهایی همچون «از کجا می دانیم؟» و «آیا حقیقت دارد؟» دانشجویان را به این مهارت رهنمون می سازد و شامل مهارت‌های منطق و برهان، استدلال قیاسی و استقرایی است.

### تفکر خلاق، محور آموزش پیامبر(ص)

هیچ یک از نظامهای فکری و عملی، مانند اسلام بر تفکر و تعقل و خلاقیت تأکید نداشته است. تأکید و برانگیختن انسانها به تفکر در مکتب اسلام چنان است که ساعتی تفکر بهتر از یک سال عبادت تلقی می شود؛ زیرا با گشودن در تفکر و خلاقیت بر آدمی، درهای حکمت و راهیابی به حقیقت بر او گشوده می شود.

رسول اعظم (ص) به تفکر و تعقل از همان اوایل زندگی که در سرزمین اجیاد، در اطراف مکه به شبانی می پرداخت، اهتمامی ویژه داشت و با عزلت و تنهایی در آن سکوت صحرا ساعتها به تفکر فرو می رفت و در امر وجود و حیات و نظام خلقت و رسالت آینده اش غور می کرد. او به واسطه این تفکر و تعقل، در دنیایی غیر از دنیای قوم خود می زیست که محصول آن، روی آوردن به آفریدگار با همه وجود و تسلیم در برابر او بود:

«إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا

مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام، آیه ۷۹)

به راستی من خالصانه، روی دل به سوی کسی داشته‌ام که آسمانها و زمین را آفرید و من از مشرکان نیستم.

استدلال، تفکر و دور اندیشی از برجسته‌ترین صفات و ویژگی‌های آموزشی پیامبر(ص) است که در کارکردهای فردی و اجتماعی آن حضرت(ص) در طول زندگی پر برکتشان کاملاً نمایان است. محدث قمی به نقل از ابن ابی‌هاله آورده است: رسول خدا(ص) پیوسته در اندوه و تفکر بود و هرگز استراحت و آسایش نداشت. (قمی، ۱۴۰۸، ص ۷۹)

تفکر خلاق، به عنوان یکی از محورهای تفکر، همواره مد نظر پیامبر(ص) و محور آموزش و محور دعوت ایشان بود. پیامبر (ص) اساس ارزش و عظمت انسانی را به میزان بهره‌مندی او از تفکر خلاق و تعقل دانسته و می فرماید:

## تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۲۷

«اذا رأیتم الرجل کثیر الصلوه، کثیر الصیام فلا تباھوا به حتی تنظروا کیف عقله» (قمی، ۱۴۰۴، ص ۲)؛  
به افزونی نماز گزاردن و زیاد روزه گرفتن کسی مباحات نکنید تا آنکه بنگرید عقلش به چه میزان  
است.

با مطالعه و اندیشه درباره وضع قوم رسول خدا(ص) و وضعیتی که در آغاز بعثت داشتند و  
موقعیتی که در پرتو رهبری الهی و خردمندان پیامبر خدا(ص) و آیین و دستورات دینی همسو با  
خرد و تفکر و اندیشه خلاق او پیدا کردند، می‌توان فهمید که آن حضرت(ص) خردمندترین و  
دوراندیش‌ترین مردم جهان بوده است.

ایشان(ص) مردمی را که در پرتگاه جهل و خرافات غلتیده بودند و جز خشونت، فخر فروشی،  
غارت، تندخویی و بادیه‌نشینی کارنامه‌ای نداشتند، چنان تربیت و رهبری کرد که پرچمدار  
عدالت، آزادی، دانش و خردمندی شدند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲، صص ۲۷-۲۲)

درقرآن کریم، هم صلاح حیات وابسته به تفکر صحیح معرفی و مکرراً به تفکر خلاق دعوت  
شده و هم از تبعیت کورکورانه و بدون تفکر پرهیز شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۳، صص ۲۵۵-۲۵۴)  
کسانی که در حیات خود تعقل و تفکر ندارند نتایج مفیدی را در زندگی نخواهند داشت؛ چرا  
که «الانسان بعقله»؛ انسان به عقلش است (آمدی، ۱۴۰۵، ص ۲۰) و «دعامه الانسان العقل»؛ ستون وجود  
آدمی عقل است (صدوق، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳). به همین دلیل است که پیامبر(ص) فرمود: همه نیکی‌ها به  
وسیله تفکر یافته می‌شود. آن که عقل ندارد، دین ندارد (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۹۴، ص ۳۸) و تفاوتی با  
چهار پا ندارد.

سیره پیامبر(ص) سرشار از روشها و برنامه‌های تربیتی مبتنی بر تفکر خلاق است. از  
مختصات برجسته این سیره، منطقی عملی آن است؛ بدین معنا که در اسلام محمد(ص) اصول  
محکم مانند اصول برهانی در ابعاد مختلف رفتاری (رفتار فردی، اجتماعی، خانوادگی، مدیریتی،  
تبلیغی، فرهنگی، آموزشی و غیره) وجود دارد. به عبارت دیگر؛ در همه این محورها دارای  
سیره است، سبک مخصوص به خود دارد و همچنان که از واژه سبک، مفهوم صلابت، محکمی  
و استواری، بقا و دوام برداشت می‌شود، این سیره‌ها نیز اصولی پا برجا، با ثبات و مستحکم  
دارند. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ص ۱۶۲)

امروزه با توجه به سرعت تولید علم و آینده‌ناشناخته‌ای که فرا روی بشر قرار دارد، لازم است  
دانشگاه‌های ما به صورتی هماهنگ با این تحولات با تأسی از رهنمودهای پیامبر اعظم(ص) به

بازنگری در برنامه‌ها و راهبردهای آموزشی خود پرداخته و راهبردهای آموزشی خلاق و مبتنی بر مسئله‌مداری را محور فعالیت آموزشی خویش قرار دهند. لذا با توجه به اهمیت موضوع لازم است به بررسی این موضوع پرداخته شود که پیامبر (ص) از چه شیوه‌هایی برای آموزش تفکر خلاق بهره می‌برد؟ و چگونه می‌توان از این شیوه‌ها در فرایند آموزش بهره گرفت؟

### روشهای تفکر خلاق در سیره پیامبر (ص)

#### ۱. روش استقلال فکری

در فرهنگ اسلام، آیات و احادیث بسیاری درباره تشویق و ترغیب انسان به استقلال اندیشه و تدبیر جهت نگرستن در آفرینش موجودات عالم و کسب بینش صحیح از آنها آمده است؛ زیرا بر کسی پوشیده نیست که استقلال فکر و اندیشه، کلید انوار معرفت و سرآغاز آشنایی و روزنه‌ای است به سوی آفرینش علوم و آگاهی‌ها. (غزالی، بی تا، ج ۴، ص ۳۷۶)

پیامبر (ص) در سیره تربیتی خویش همواره بشریت را به استقلال فکری و تدبیر در آفریده‌های خداوند دعوت می‌کند تا بینش صحیحی نسبت به خدای عز و جل و آفریده‌های ایشان در دلها شکل گیرد؛ چون خداوند به ایشان توصیه فرموده است که:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، آیه ۱۲۵)

ای پیامبر دعوت کن مردم را به سوی پروردگارت به حکمت و موعظه و جدال احسن.

نکته قابل تأمل این است که پیامبر (ص) همواره توصیه فرموده که از تفکر در امور ماورای اندیشه آدمی که جمود و انحراف و تحجر را در پی دارد، پرهیز شود. ابن عباس گفته است: روزی پیامبر (ص) به جماعتی که درباره خداوند می‌اندیشیدند، فرمود: تفکروا فی خلق الله ولا تتفکروا فی الله فانکم لن تقدروا قدره (اصبهانی، ۱۴۰۶، ص ۲۳۸)؛ درباره آفرینش خداوند بیندیشید، اما درباره خداوند میندیشید؛ زیرا شما هرگز نمی‌توانید به کنه و ذات اقدس او پی ببرید.

بنابر این، یادگیرنده در پرتو این استقلال فکری که مد نظر پیامبر (ص) است، به نوعی اکتشاف فکری نایل می‌شود؛ تفکری که می‌تواند منجر به درک شهودی و ایجاد انگیزه در یادگیرندگان گردد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های یادگیری اکتشافی این است که یادگیرنده به ساختار موضوع



## تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۲۹

دست می‌یابد. دستیابی به طرح و اصول اساسی موضوع مورد مطالعه، باعث می‌شود که یادگیرنده بتواند آنچه یاد گرفته است، در موارد جدید به کار گیرد.

به نظر نگارنده، برای دسترسی شایسته به این ایده (تفکر آماده‌گر) و آمادگی برای جهش بزرگ، نوآوری و خلاقیت و تولید علم، باید زمینه مناسب را برای حضور استقلال فکری که مد نظر پیامبر (ص) بوده، به عنوان مقدمه این جهش فراهم کرد.

### ۲. روش گفتگو و مباحثه

پیامبر (ص) از این شیوه در آموزش خلاقیت فکری مسلمین بهره می‌جست و تردیدی وجود ندارد که یکی از هدفهای پیامبر (ص) در بهره‌گیری از این روش، وحدت نوع بشر بوده است. از این روست که ایشان باب گفتگو را بر روی مردمان سایر ادیان الهی می‌گشاید و فرستادگانی را به سایر ممالک می‌فرستد و در گفتگوی با آنها می‌خواهد که در آنچه او می‌گوید تفکر و تدبیر کنند. محمد (ص) در میان اعراب بادیه ظهور کرد؛ اعرابی که نسبت به عقاید و ایده‌هایشان بسیار متعصب عمل می‌کردند و عقایدشان را نمی‌شد از آنها گرفت مگر با ارائه عقیده‌ای قوی‌تر و مؤثرتر.

بنابر این، پیامبر اکرم (ص) به گفتگو و مباحثه با قوم خود بر آمد و ابتدا از خانواده خویش شروع کرد و سپس باب گفتگو و مباحثه را بر روی سایر اعراب گشود تا در خلقت و آفرینش خود تفکر کنند؛ در پرستش بتهایی که از سنگ و چوب ساخته بودند بیندیشند و به اشتباه خود پی برده، به حقیقت نایل آیند.

پیامبر (ص) به این روش اهتمام خاصی داشتند. ابن‌شعبه حرانی روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرمودند: «تعلموا العلم فان تعلمه حسنه و مدارسته تسبیح و البحت عنه جهاد...» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۹۴، ص ۲۸)؛ علم بیاموزید؛ زیرا آموختن علم نیکوست و بحث و گفتگو کنید؛ زیرا تسبیح است برای جهاد... یعنی هر چه کوشش فراگیران در امر آموزش و یادگیری بیشتر شود، ارزش آن نیز افزایش می‌یابد؛ چنان که حسنه (کار نیک) خوب است، اما تسبیح خدا از آن بهتر و جهاد در راه خدا از آن دو نیز بهتر است.

امروزه هدف برنامه آموزش تفکر، بهره گرفتن از سائقه‌های اجتماعی دانشجویان و استفاده از

گفتگو به عنوان وسیله‌ای برای پرورش خلاقیت فکری آنهاست. بنابراین، روش گفتگو و مباحثه موجب تحریک تفکر خلاق، توانایی‌ها و علایق، تقویت قدرت استدلال و سنجش و قضاوت می‌شود. لذا مریبان باید در برنامه‌های آموزشی خود، برای پرورش قدرت آفرینندگی و استدلال شاگردان، این روش را مد نظر قرار دهند. (فیشر، ۱۳۸۵ الف، ص ۲۶)

گفتگو و مباحثه با شاگردان، آنها را به بالاترین قله تربیت و ساختار فکری و خلاقیت می‌رساند؛ چون در پرتو چنین تربیتی است که فراگیرنده می‌تواند درباره حقوق خود سخن بگوید و این امکان به او داده شود تا راجع به امور مجهول و مسائل ناشناخته سؤال کند و سپس در ادامه، حرکت و تتبع فکری و خلاق در او شکل گیرد.

### ۳. روش داستان و عبرت آموزی

در سیره پیامبر (ص) می‌توان داستانهای زیادی را یافت که آنها را برای اصحاب بزرگ و کوچکی که در حضور ایشان بودند بازگو و تعریف می‌کرد و آنان نیز با توجه بسیار و با آمادگی و بیداری کامل بدانها گوش فرا می‌دادند.

پیامبر (ص) برای ایشان داستانها و قصه‌هایی چالش برانگیز، راجع به حوادث و رویدادهای گذشتگان تعریف می‌کرد تا هم افراد حاضر در آنجا و هم نسلهای بعدی را تا روز قیامت، آگاه و بیدار سازد و به وسیله آنها پند و عبرت بگیرند.

لازم به ذکر است که این داستانهای نبوی بر حقایق مسلمی متکی است که در زمان گذشته روی داده‌اند و دور از خرافات و اساطیر می‌باشند، بلکه آنها قصه‌هایی هستند که اعتماد و اطمینان کامل به تاریخ را در وجود فراگیر بر می‌انگیزند. به همین سبب است که بعضی از علمای سلف گفته‌اند: «قصه‌های مفید و حکایتهای آموزنده، لشکری از لشکریان خدا می‌باشند که به وسیله آنها قلوب مردان راه خدا ثابت و استوار می‌گردد» (نور سويد، ۱۳۷۸، ص ۴۸۴). دلیل این عده، قرآن کریم است که می‌فرماید:

«وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنْتِهِ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ

الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (هود، آیه ۱۲۰)

این همه از اخبار پیامبران را بر تو باز می‌خوانیم که به وسیله آن دل تو را بر جای و

#### تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۳۱

استوار بداریم و برای تو در ضمن این (سوره و اخبار مذکور در آن، بیان) حق آمده است و برای مؤمنان پند و یادآوری مهمی ذکر شده است.

واضح است که نقل قصه‌های مفید و بازگویی داستانهای آموزنده در تقویت توجه و دقت نگرش و در بیداری فکری و عقلی فراگیران، نقش حائز اهمیتی دارد و به خاطر بهره‌مند شدن و لذت بردن از آنها، سایر اسلوبها و روشهای فکری مؤثر را در عقل و اندیشه فراگیر، تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و آنها را به تصرف در می‌آورد. فراگیران با درگیر شدن در داستانهای چالش برانگیز و و برقراری ارتباط عاطفی با شخصیت‌های داستان (ایفای نقش)، زمینه‌های تقویت و پیدایش ایده‌های خلاق و نوآور را در خود فراهم می‌آورند که این امر، تمرینی برای خلاقیت است.

پاره‌ای از قصه‌هایی که پیامبر (ص) از آنها برای آموزش تفکر خلاق و به تعقل واداشتن مسلمین استفاده می‌کرد از این قرار است: داستان اصحاب اخدود، قصه جریح عابد، قصه آن سه نفر محبوس شده در غار، قصه اویس قرنی، قصه حضرت ابراهیم و اسماعیل و مادر اسماعیل (ع)، قصه الکفل، قصه آن سه نفر (أقرع، أبرص و أعمی) و قصه فرد بدهکار هزار دینار، که به طور کلی مجموع آنها به هشت قصه می‌رسد و از آنها می‌توان برای برانگیختن فراگیران به تفکر بهره جست. (نور سوید، ۱۳۷۸، ص ۴۸۵)

#### ۴. روش استدلالی

سیره تربیتی پیامبر (ص) بر استدلال مبتنی است؛ یعنی در مقام یک مربی، مترتبان را به سوی آنچه با فطریات واقع بین و بی‌آلایش خود درک می‌کنند هدایت می‌کند، نه اینکه نخست مواد اعتقادی خود را به آنان تحمیل و تلقین کرده، سپس برای دفاع از آنها دلیل و برهان بیاورد.

پیامبر (ص) در جواب کسی که خواست او را نصیحت کند، فرمود: «فأنتی اوصیک اذا انت همت بامر فتدبر عاقبه، فان بک رشدا فامضه و ان بک غیاً فانته عنه» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۴۹)؛ من تو را سفارش و نصیحت می‌کنم به اینکه هر زمان تصمیم به انجام کاری گرفتی، در عاقبت آن کار بیندیشی. پس چنانچه عاقبت آن رشد بود (و کار درست و صحیحی بود) انجامش بدهی و اگر عاقبت آن گمراهی و تباهی بود، از آن دست بکشی و آن را رها کنی.

این بالاترین نصیحت است که انسان را به استدلال فکری خلاق رهنمون می‌سازد و موجبات تبیین رشد از غی (ر.ک. به: بقره، آیه ۲۵۶) را برای او فراهم می‌سازد. خداوند متعال در قرآن کریم در باب استدلال و رسیدن به معرفتی از طریق معرفت و شناختی دیگر می‌فرماید:

«الْمَ تَرَىٰ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ

عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا» (فرقان، آیه ۴۶-۴۵)

آیا ندیدی که لطف خدا چگونه سایه را با آنکه اگر خواستی ساکن کردی، بر سر عالمیان بگسترانید. آنگاه آفتاب را بر آن دلیل قرار دادیم.

یعنی خورشید دلیل و نشانه سایه است. در واقع؛ اگر شمس نبود، وجود سایه معلوم نمی‌شد. تفکر خلاق، اساس و مبنا دارد و بر استدلال استوار است؛ در حالی که عقایدی وجود دارد که هیچ بنای فکری ندارند و مبنایشان عادت، تقلید، تبعیت کور و هوس است. اسلامی که پیامبر اکرم (ص) آورد، هدفش این بود که غل و زنجیرهای اسارت را بگشاید:

«وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، آیه ۱۵۷)

و غل و زنجیرهایی را که بر گردن دارند بر می‌دارد.

و نیامده است تا مهر تأییدی را بر اندیشه‌های باطل بزند. بنابر این، این عقیده را که انسان ساخته خودش را بپرستد، نفی می‌کند:

«قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ» (صافات، آیه ۹۵)

آیا چیزی را می‌پرستید که خود به دست خود می‌سازید؟

پیامبر (ص) مردم را از قید عبادت خدایان ساختگی رها ساخت و این واسطه‌های بی‌معنی را که به غلط میان مردم و خدای یگانه حایل شده بودند، در هم شکست. در تعلیمات ایشان (ص) هبل و لات و عزری، آتش و خورشید و ستارگان و مقدسان و آدم و فرشته و پری، هیچ کدام میان انسان و خدا واسطه نیستند، فقط در پیشگاه خدای بی‌انباز از کار بد و خوب انسان پرسش و

### تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۳۳

بازخواست می‌شود و جز اعمال او شفیع و واسطه‌ای در کار نیست. وجدان انسان، میزان اعمال اوست و روزی که هر کاری را پاداش می‌دهند، کارهای ما را بدان می‌سنجند. استدلال فکری از این کامل‌تر و بهتر چیست؟ (هیکل، ۱۳۷۶، ص ۲۰۶)

اهمیت روش استدلالی در پرورش دانش‌پژوهان جوان در این است که با بهره‌گیری از این روش، فراگیران می‌توانند تجارب خود را بیان کنند، آنها را بررسی نمایند و نتایج چنین بیانی را به صورت یادگیری نوآفرین<sup>۱</sup> و ابتکاری مد نظر قرار دهند.

### ۵. روش عملی

پیامبر (ص) در سیره تربیتی خویش در بسیاری مواقع برای اینکه مسلمانان به خوبی بعضی احکام را یاد بگیرند، خود در برابر چشم آنها آن عمل را به گونه‌ای کامل انجام می‌دادند.

کلینی از امام صادق (ع) روایت می‌کند که:

روزی پیامبر (ص) در بیابانی خشک و بی آب و علف توقف کرد و به اصحاب فرمود: بروید هیزم بیاورید! اصحاب گفتند: یا رسول الله، در این بیابان هیزم پیدا نمی‌شود. پیامبر (ص) فرمود: هر کس به اندازه‌ای که می‌تواند، هر چند اندک، هیزم جمع‌آوری کند. اصحاب در بیابان به دنبال هیزم گشتند و هر کس مقداری هیزم آورد و بر روی هم انباشتند و هیزمها به صورت پشته‌ای درآمد. پیامبر (ص) فرمود: گناهان نیز این گونه جمع می‌شود؛ سپس فرمود: «ایاکم و المحقرات من الذنوب»؛ از گناهان کوچک بپرهیزید. برای هر نفر مأموری هست که گناهان او را می‌نویسد و این گناهان رفته رفته مانند این هیزمها، پشته می‌شود. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۸۸)

از بخاری روایت شده است هنگامی که پیامبر (ص) می‌خواست نماز را به مسلمانان بیاموزد به مکان مرتفعی رفت تا همه او را ببینند. آن‌گاه خطاب به آنان فرمود: «این گونه که من نماز را به جای می‌آورم شما هم به جا آورید». (بخاری، ۱۴۰۷، کتاب الجماعت، ص ۳۲)

امام علی (ع) می‌فرماید: حضرت (ص) روزی حریر را در دست چپ و طلا را در دست راست خود گرفت. بعد دستانش را بلند کرد و فرمود: این دو بر مذکرهای امت من حرام و بر مؤنثهای امت من حلال است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۶)

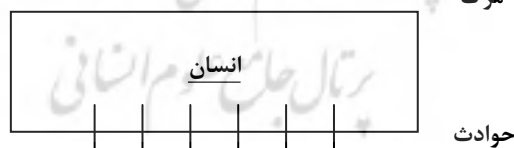
یکی دیگر از شیوه‌هایی که پیامبر(ص) از آن بهره می‌جست تا مفاهیم در فکر جا بگیرد، کمک گرفتن از اعضای بدن همراه با گفتن بود. ابوموسی اشعری می‌گوید: «روزی حضرت فرمود: مؤمن برای مؤمن، بسان مصالح ساختمان است؛ همدیگر را محکم نگه می‌دارند. سپس انگشتانشان را در یکدیگر فرو بردند». (همان، ص ۲۲۴)

در مواردی که لازم است ایده خلاق از مواد مناسب تشکیل شود، داشتن طرح ذهنی، آماده‌سازی ارزشمندی برای طراحی عملی به حساب می‌آید. امتیاز این شیوه در تقویت حافظه دیداری است و موجب فرایند جذب و درونی‌سازی از طریق احساسات ادراکی می‌شود و این بیان تصویری، در رشد فرایند تفکر خلاق بسیار مفید است.

#### ۶. سمعی - بصری

پیامبر اکرم(ص) برای بیان مقصود خویش، تنها به گفتار بسنده نمی‌کردند، بلکه از ابزارهای آموزشی نیز بهره می‌گرفتند. ابن مسعود روایت می‌کند:

روزی رسول خدا(ص) مربعی کشید و خطی در وسط آن ترسیم کرد و خط‌های کوتاهی از سمت یکی از اضلاع مربع به سوی خط میانی ترسیم نمود. سپس خطاب به صحابه فرمودند: این خط که در وسط ترسیم شده است انسان است و مربعی که آن را در برگرفته مرگ اوست و این خطوط کوتاه، حوادث روزگارند که او را نشانه گرفته‌اند و اگر یکی از آنها به وی نرسد، دیگری به او خواهد رسید. (همان) مطابق شکل زیر:

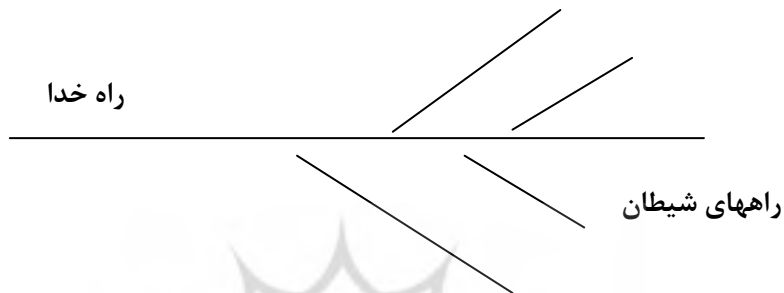


در کتب تفسیر آمده است که وقتی رسول خدا(ص) اراده کرد آیه ۱۵۳ سوره مبارکه انعام را برای یارانش توضیح دهد، ابتدا با دست مبارک خویش، خطی راست ترسیم کرد و فرمود: این خط مستقیم راه خداست، پس از آن خط‌هایی از راست و چپ بر آن کشید و گفت: بر سر هر یک از این راهها شیطانی کمین کرده است و مردم را به سوی آن می‌خواند. آن‌گاه آیه مبارکه را قرائت فرمود:

تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۳۵

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصْنُكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راههای دیگری که شما را از این راه منحرف می‌سازند پیروی نکنید. (صفا، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲) مطابق شکل زیر:



این روش در میان راهبردهای تفکر خلاق در راهبرد ادراکی قرار می‌گیرد که پیامبر(ص) در نظر داشت از این طریق، توجه فراگیران را به سوی موضوع یادگیری جلب کند. بدین ترتیب برای دانشجویان خود، فرصتهایی فراهم آورد تا بسیاری از محتواها را خود ببینند و دریافت کنند.

#### ۷. روش تشبیه و همانندسازی

این روش، یکی از روشهای خلاق پیامبر بود که آسان‌ترین روش برای بهره‌گیری از قدرت تفکر خلاق و فهماندن مطلب به مخاطب در هر سطحی است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «دین باوری که قرآن می‌خواند، همان ترنج است؛ بویی خوش و طمعی خوش دارد. مؤمنی که قرآن نمی‌خواند، مانند خرمایی است با طعمی خوش؛ اما بی بو. شخص ناپاکی که قرآن می‌خواند، بسان گلی است خوشبو؛ اما طعمی زهر آگین دارد. شخص ناپاکی که قرآن نمی‌خواند، نظیر حنظل است؛ بی بو با طعمی تلخ». (مبارک فوری، ۱۳۷۰، ص ۴۱۴) یا اینکه پیامبر (ص) برای ایجاد همبستگی و اتحاد میان مسلمین، دو برادر دینی را به دو دست تشبیه فرمود که یکدیگر را شستشو می‌دهند.

در روایت دیگری، پیامبر (ص) در تبیین خطر حب دنیا، آن را به گرگی تشبیه می‌فرماید که از سر شب تا صبح در گله گوسفندی بیفتد: «یا اباذر! حب الدنيا و الشرف اذهب لدین الرجل من

ذئین ضاریین فی ذریبه الغنم فاغارا فیها حتی اصبح فماداً ابقیاً منها...»(همان)؛ ای اباذرا! دلبستگی به دنیا و مقام برای دین انسان از دو گرگ درنده‌ای که به آغل گوسفندان حمله کنند و همه را از بین ببرند، به گونه‌ای که هیچ یک از آنها را باقی نگذرانند، نابودکننده‌تر است. این روش نیز همانند روشهای ۵ و ۶ از راهبردهای ادراکی است.

### ۸. روش برانگیختن اذهان

پیامبر(ص) در یکی از شیوه‌های خلاق خود، از سؤال برای تحوّل فکری مترّیان خویش بهره می‌جست. ایشان با طرح سؤالاتی توجّه مخاطب را به خود جلب و از این طریق ذهن او را درگیر مسئله مورد نظر می‌کرد.

حرّ عاملی می‌گوید: پیامبر(ص) فرمود: «ألا أدلکم علی سلاح ینجیکم عن أعدائکم ویدر أرفاقکم؟ قالوا: بل؛ قال: تدمون ربکم باللیل والنهار فان سلاح المؤمن الدعاء»(حرّ عاملی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۰۹۵)؛ آیا شما را از سلاحی که از دشمن نجاتتان می‌دهد و روزی را بر شما سرازیر می‌سازد، آشنا نسازم؟ عرض کردند: بفرمایید. فرمود: شب و روز پروردگار خود را بخوانید؛ زیرا سلاح مؤمن دعاست. و گاه مطالب را به گونه‌ای بیان می‌فرمود که در ذهن مخاطب موجب شکل‌گیری سؤال شود. در این صورت، مخاطب با طرح سؤال وارد بحث می‌شد و به صورت کامل به سخنان ایشان گوش فرا می‌داد.

نوری الطبرسی روایت می‌کند: پیامبر(ص) فرمود: «اکثروا من ذکر هادم اللذات! فقیل: یا رسول الله (ص) و ما هادم اللذات؟ قال: الموت؛ فان اکیس المؤمنین اکثرهم ذکر الموت و احسنهم للموت استعداداً»(نوری طبرسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۰۰)؛ از نابودکننده لذتها بپرهیزید! عرض شد: نابودکننده لذتها چیست؟ فرمود: مرگ؛ همانا زیرک‌ترین مؤمنان کسی است که بیش از همه به یاد مرگ و بهتر از همه، آماده مرگ باشد.

امام صادق(ع) نیز روایت می‌کند که پیامبر(ص) فرمودند: «همانا بهترین شما صاحبان عقلند. عرض شد: صاحبان عقل چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که دارای اخلاق نیکو و حلم همراه با وقارند، صله ارحام می‌کنند و با مادران و پدران خود به نیکی رفتار می‌کنند و با فقرا و همسایگان و یتیمان هم‌پیمانند.»(کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۰)



### تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۳۷

در سیره تربیتی پیامبر(ص) سؤال خوب از جایگاه حائز اهمیتی برخوردار است. پیامبر(ص) در این زمینه می‌فرماید: «حسن السؤال نصف العلم» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۲، ص ۲۶۷)؛ پرسش خوب، نیمی از علم است.

این نوع مهارت در زمره راهبرد پرسش و پاسخ از راهبردهای خلاقیت قرار می‌گیرد. بنابر این، طرح یک سؤال خوب، نوعی دعوت به تفکر خلاق است. سؤال خوب، برانگیزاننده است؛ زیرا باز - پاسخ و دربارنده مسائل فراوانی است. (فیشر، ۱۳۸۵ الف، ص ۱۳۴)

از این رو، سؤالهای مربی فرصتی را برای مترئیان فراهم می‌کند تا بین دانسته‌های خود و مطالبی که باید بر حسب نقطه‌نظرهای خود مورد بررسی قرار دهند و درباره آن بیندیشند، ارتباط برقرار کنند. سؤال کردن به تحریک، گسترش و تقویت تفکر خلاق فراگیران کمک می‌کند. (Burns. 1985, p.14-16)

جدول مقایسه نتایج حاصل از شیوه‌های آموزشی خلاق پیامبر(ص) با راهبردهای آموزشی تفکر خلاق و کاربرد این شیوه‌ها در آموزش

شیوه آموزشی خلاق پیامبر(ص)	راهبردهای آموزشی تفکر خلاق	کاربرد این شیوه‌ها در آموزش
استقلال فکری	جستجو و حل مسئله (اکتشافی)	اکتشاف و درک شهودی متغیرهای یادگیری
گفتگو و مباحثه	مباحثه	تقابل دیدگاههای استاد و دانشجو
داستان و عبرت‌آموزی	مشارکتی	ایفای نقش دانشجو با موضوعات چالش‌برانگیز استاد
استدلالی	استدلال کردن	برقراری ارتباط بین موضوعات چالش‌برانگیز و تجارب شخصی دانشجویان
عملی	ادراکی	جلب توجه مخاطب به سوی موضوع یادگیری
سمعی و بصری	ادراکی	جلب توجه مخاطب به سوی موضوع یادگیری
تشبیه و همانندسازی	ادراکی	جلب توجه مخاطب به سوی موضوع یادگیری
برانگیختن اذهان	پرسش و پاسخ	فراهم کردن فرصتی برای فراگیران جهت بیان ایده‌های خود و برقراری ارتباط با موضوعات یادگیری

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از فرایندهای اساسی در نظام آموزش عالی، فرایند یاددهی و یادگیری است؛ زیرا تحقق یادگیری به عنوان هدف اصلی هر نظام آموزشی از طریق این فرایند انجام می‌گیرد. لذا ارتقای کیفیت این فرایند، اهمیت زیادی در بهبود وضعیت کلی نظام آموزش عالی دارد. فرایند یاددهی و یادگیری با توجه به دگرگونی‌های فرایندهای که با آن مواجهیم، باید زمینه‌های نوآندیشی، تحوّل‌گرایی و اصلاح‌طلبی را فراهم آورد.

پایه‌ها و مبانی اساسی مکتب اسلام بر تفکر و تعقل استوار است و پیامبر اکرم(ص) نیز که پرورش یافته این مکتب است و تربیتش قرآن و معلمش خداوند، سعی داشت بنیاد منطقی را بر تعلیم و تربیت، خداشناسی، انسان‌شناسی و خودشناسی انسانها حاکم کند. از این رو، انسانها را به تفکر خلاق و تدبّر دعوت می‌فرمود و از آنان می‌خواست هیچ چیز را بدون استدلال و استنتاج نپذیرند؛ زیرا می‌دانست که اگر پیش از فهم هدف اصلی دین، وارد پروژه دین شویم، به یک سلسله احکام پراکنده بی‌ربط و غیر قابل جمع و غیر عملی دست خواهیم یافت.

بنابر این، اساس دعوت نبوی(ص)، دعوت با روش اندیشه‌ورزی و خلاق‌محور است. پیامبر(ص) با بینش عمیق خویش این نکته را دریافتند و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و روشهای متنوع و متعدّد در آموزش مسئله‌محور و خلاق‌محور که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، در این مهم کوشیدند. از این رو، لازم است همه نظریه‌های اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و آموزشی و عبادی در دانشگاهها و به خصوص دانشگاه اسلامی در همین راستا حرکت کنند؛ زیرا اگر این نظریه‌ها به خوبی تغذیه نشوند، به یک ایدئولوژی و مکتب ضعیف، تحریف‌شده و آسیب‌پذیر می‌رسیم که نمی‌تواند جامعه را بسازد و با استکبار و به ویژه استکبار فکری، دست و پنجه نرم کند. لذا دانشگاه که متولی اصلی فرهنگ‌سازی و آموزش در جامعه است، باید کل برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را در جهت تفکر‌محوری و اندیشه‌مداری با تأکید بر خلاقیت هدایت کند.

### پیشنهادها

- با توجه به اینکه تحقق اهداف والای تربیتی در هر نظام تربیتی مستلزم پرورش ذهنهای خلاق، متفکر و آموزش شیوه‌های صحیح استدلال است و از آنجا که هدف اصلی برنامه چهارم

## تفکر خلاق، مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر (ص) ♦ ۳۹

توسعه کشور، توسعه با محوریت دانایی است، لذا پیشنهاد می‌شود جهت گام نهادن هر چه مؤثرتر در این زمینه، با محور قرار دادن شیوه‌های آموزش تفکر خلاق پیامبر(ص)، در تمامی مقاطع آموزشی به خصوص نظام آموزش عالی، اصلاحات اساسی صورت گیرد.

- روشهای آموزشی تفکر خلاق پیامبر(ص) باید به مثابه یک بخش مهم در دروس دوره‌های تربیت معلم وجود داشته، جدی تلقی شود. همچنین آموزش مهارت تفکر می‌تواند به عنوان درسی مجزا در میان دروس دانشگاه ارائه گردد.

- باید نگاه دقیق، اصولی، آگاهانه و علمی به بحث تفکر و روشهای خلاق و تفکر محور پیامبر(ص) در سیره نبوی داشت. لذا ضروری است که در نظام آموزش عالی و روشهای طراحی آموزشی، طراحی برنامه درسی و کتب درسی، تفکر خلاق به عنوان محور اصلی به رسمیت شناخته شده، تبیین و ترویج شود.

- اگر نگاهی اجمالی به نظام آموزشی خود داشته باشیم، مشاهده می‌کنیم که دانشگاههای ما با آنچه از آنها انتظار می‌رود فاصله زیادی دارند. لذا بازنگری در برنامه‌ها و به خصوص راهبردهای آموزشی تدریس برای به کار گیری راهبردهای آموزشی مبتنی بر مشکل‌گشایی خلاق و روشهای نوین تدریس، از اهم مسائل جامعه امروز ماست.

علاوه بر تغییرات اساسی در برنامه و روش تدریس پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از مؤلفه‌های مناسب، کلاسهای درس دانشگاه را با کمی تلاش متحول کرد. بعضی از این موارد عبارتند از:

۱. شروع درس با سؤالی ترغیب کننده برای ورود به بحث؛

۲. توجه به ابتکار و نوآوری و خلق ایده‌های تازه؛

۳. طرح سؤالات بحث برانگیز و واگرا؛

۴. ایجاد پیچیدگی و ابهام در مسائل برای دانشجو؛

۵. ایجاد روح تحقیق و جستجو؛

۶. آموزش مبتنی بر فعالیت دانشجو؛

۷. توجه به مسائل از چشم‌اندازهای متعدد و متفاوت؛

۸. اصالت دادن به فرایند و چگونگی یادگیری؛

۹. توجه به یافته‌ها و پدیده‌های جدید علمی؛

۴۰ ♦ فصلنامه دانشگاه اسلامی ۳۸/سال دوازدهم، شماره ۲/تابستان ۱۳۸۷

۱۰. توجه به تجارب دانشجویان در مباحث آموزشی؛
۱۱. ایجاد انگیزه درونی برای یادگیری؛
۱۲. استقبال از سؤالات دانشجو؛
۱۳. اصالت به نحوه تفکر و استدلال دانشجو؛
۱۴. بهره‌گیری کامل از بحث و گفتگو؛
۱۵. تبیین ارتباط مسائل آموزشی با مسائل واقعی زندگی؛
۱۶. بهره‌گیری از منابع متعدد آموزشی.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد التمیمی (۱۴۰۵ق)؛ **غرر الحکم و درر الکلم**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳. ابن شعبه حرانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین (۱۳۹۴ق)؛ **تحف العقول عن آل الرسول (ص)**، قم، دار احیاء مکتبه بصیرتی.
۴. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)؛ **لسان العرب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. اصبهانی، ابونعیم (۱۴۰۶ ق)؛ **حلیه الاولیاء و طبقات الایفاء**، بیروت، دارالفکر.
۶. اورلیج، دونالد (۱۳۷۹)؛ **راهبردهای تدریس**، ترجمه سیامک رضا مهجور، شیراز، ساسان.
۷. بخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ ق)؛ **صحیح بخاری**، شرح و تحقیق قاسم الشماعی الرفاعی، بیروت، دارالقلم.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسین (۱۳۷۶ق)؛ **وسائل الشیعه**، تهران، انتشارات الاسلامیه.
۹. حسینی، افضل السادات (۱۳۸۳)؛ **ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن**، تهران، قدس، چ سوم.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲)؛ **سیره نبوی**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. سنتر وک، جان دلیو (۱۳۸۵)؛ **روانشناسی تربیتی**، ترجمه دکتر مرتضی امیدیان، یزد، دانشگاه یزد.
۱۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (۱۳۸۵ ق)؛ **علل الشرایع**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. صفار، سالم (۱۳۸۵)؛ **سیره پیامبر (ص) در رهبری و انسان‌سازی**، ترجمه غلامحسین انصاری، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ق)؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۱۵. غزالی، ابو حامد (بی‌تا)؛ **احیاء العلوم الدین**، بیروت، دارالقلم.
۱۶. فیشر، رابرت (۱۳۸۵ الف)؛ **آموزش تفکر به کودکان**، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، تهران، نشر رسش.

۱۷. فیشر، رابرت (۱۳۸۵ب)؛ آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیانیان، تهران، نشر رسش
۱۸. قمی، عباس (۱۴۰۴ق)؛ کحل البصر فی سیره السید البشر، قم، انتشارات رسول مصطفی (ص).
۱۹. قمی، عباس (۱۴۰۸ق)؛ قصار الجمل، قم، انتشارات رسول مصطفی (ص).
۲۰. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)؛ الکافی، تصحیح و تعلیقات علی اکبر غفاری، تهران، دارالمکتب الاسلامیه.
۲۱. مبارک فوری، صفی الرحمن (۱۳۷۰)؛ باده ناب در سیره پیامبر خاتم، ترجمه محمد بهاء الدین حسینی، سندج، انتشارات کردستان.
۲۲. المجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لعلوم الائمه الاطهار، الطبعة الثالثة، بیروت: دار التراث العربی.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۶)؛ العلم والحکمه فی الكتاب و السنه، قم، دارالحديث.
۲۴. میلر، دلیو (۱۳۸۰)؛ راهنمای تدریس در دانشگاهها، ترجمه ویدا میری، تهران، سمت.
۲۵. نور سوید، محمد (۱۳۷۸)؛ تربیت فرزندان از دیدگاه پیامبر (ص)، ترجمه محمد صالح سعیدی، سندج، انتشارات سندج.
۲۶. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۹ق)؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل بیت احیاء التراث.
۲۷. هیکل، محمد حسین (۱۳۷۶)؛ زندگانی حضرت محمد (ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، سندج، چاپخانه علی اکبر علمی.

28. Amabile Teresa M (1983). **The social psychology of creativity** spring Verlag, New York.
29. Amabile Teresa M (1989). **personality processes and individual differences**, Journal of personality and social psychology vol45, No2 PP 8-24.
30. Burns, Marilyn (1985). **The Role of Questioning Arithmetic Teacher. Psychology vol3. No2.P 59-62.**
31. Ciskszentinihalyi (1999). **Acreativediolog**, psychology, vol.32, No.4, P.59-62.
32. Dewey, John (1933). **How we Think**, Helth & Company.
33. Guilford, J. P; (1964). **Basic Problem In Teaching For Creativity**, University Of Southern California

34. Harrington, David, M (1990). **The Ecology of Human Creativity, A. Psychological.** Psychological Perspectives Cambridge University Press.
35. Hicks, Michael J (1991). **Problem Solving in Business and Management.** London, Chapman and Hall.
36. Runco, M.A & Chand, I (1995). **Cognition and creativity.** Educational psychology review, vol 18, No 7, p243- 267.
37. Stein, Morris (1962). **Creativity as an inter – personal process in parnes,** Sidney. J, source book creative thinking, Charles, Scribner, New York
38. Strenberg, Robert. J (1989). **A Three fact model of creativity in Sternberg R. J;**The Nature of Creativity Centum pirare.
39. Torrance, E.P (1998). **An Interview with E. paul Torrance:** About Creativity. Educational psychology Review, vol10 No 3, p441-452.

